

# اهمیت اصلاح نظام آموزشی

دکتر غلامعلی افروز

و به دوستانشان بها می دهند. خوشا به حال پدر و مادری که قابلیت دوستی با فرزندش را پیدا کند. پیران در گذشته سیر می کنند و با بازگویی خاطره‌ها لذت حیاتی و بهداشت روانی می یابند. این تفاوت تحولی برای ما در برنامه‌ریزی مهم است.

بنابراین از نظام جمهوری اسلامی ایران انتظار می‌رود سالم‌ترین، صالح‌ترین، پویاترین، خلاق‌ترین، خوش اخلاق‌ترین، عاطفی‌ترین و منطقی‌ترین انسان‌ها را با بالاترین نظام‌مندی زوجیت، شغلی و حرفه‌ای در کشور تربیت کند. معلمان شایسته که الگوهای رفتاری

با سلام و تشکر از دست‌اندرکاران این همایش بسیار مهم، چند نکته‌ای را در حوزه‌ی برنامه‌های آموزش و پرورش متوسطه با نگاه آسیب‌شناسی مطرح می‌کنم.

در مقدمه‌ی بحث لازم است به مظلومیت مضاعفی که بچه‌های ما در دوره‌ی ابتدایی دارند، اشاره کنم. بچه‌های ما در دبستان عموماً حال‌اندیش‌اند و به الگوهای محبوب و مطلوب چون معلم و پدر و مادر بیش‌تر بها می‌دهند. این بچه‌ها در حال زندگی می‌کنند اما بچه‌های دوره‌های راهنمایی و متوسطه عموماً در آینده سیر می‌کنند

وقتی که معلمان از بالاترین اقتدار شغلی برخوردار شوند، جوانان کشور آرزو می‌کنند که معلم شوند

## یادگیری‌های غیرمستقیم پایدارترین یادگیری است و ما باید از این ظرفیت و قابلیت استفاده کنیم

دانش‌آموزان هستند و اصلاحات در خانه و خانواده‌ی بچه‌های ما را در دوره‌ی ابتدایی ارتقایی دهند. دوره‌ی دبستان را که دوره‌ی مظلومیت بچه‌ها است، اندکی طولانی‌تر کنیم و به ۶ تا ۷ سال افزایش دهیم.

گذر تحصیلی از دبستان به راهنمایی به این بچه‌ی مظلوم دبستان شوک وارد می‌کند؛ زیرا از تک‌معلمی ناگهان وارد مدرسه‌ی چندمعلمی می‌شود. ضریب دشواری دوره‌ی راهنمایی با دبستان هیچ رابطه‌ی خطی و منطقی و معقول ندارد و به صورت پله‌ای و بلکه بدتر است. دوره‌ی راهنمایی گذرگاه دانش‌آموزان آسیب‌پذیر، دچار تردید و تعارض است. ۵۱ درصد بزه‌کاران کشور ما

در کانون‌های اصلاح و تربیت تهران، مشهد، شیراز و بندرعباس، اخراجی‌های نظام آموزش و پرورش ما هستند.

در دوره‌ی دبیرستان بچه‌های ما قربانیان گذرگاه کنکور هستند. هرکس که وارد دبیرستان می‌شود، طعمه و بره‌ای است برای گرگ‌های طراحان کنکور و کنکورگری که اضطراب و پریشانی را در کشور روزبه‌روز بیش‌تر می‌کنند. حال با این مظلومیت‌ها در نظام آموزش و پرورش بیایید بپاخیزیم و آن را اصلاح کنیم.

چون در نظام ارزشمندی (جمهوری اسلامی) زندگی می‌کنیم، باید قابلیت‌ها را برای فارغ‌التحصیلان تعیین کنیم. در دنیا چهار هدف برای تعلیم و تربیت عمومی مطرح است: ۱. شناخت خود، ۲. برقراری روابط مؤثر و مفید با دیگران، ۳. پذیرش مسئولیت اجتماعی، ۴. قابلیت خودکفایی اقتصادی. این اهداف در

هر کشور باید با یک هدف غایی تفسیر شود. آن‌جا می‌گویند خودت را بشناس تا از خودت لذت ببری؛ ما هم می‌گوییم خودت را بشناس تا خدایت را بشناسی: «من عَرَفَ نفسه فقد عَرَفَ رَبَّه». درخصوص روابط اجتماعی می‌گوییم «آمر به معروف و ناهی از منکر» باش. برای پذیرش مسئولیت اجتماعی ما شعار و دیدگاه «من اصْبَحَ ولم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم» را داریم که پذیرش اجتماعی به معنی نظارت عمومی و زمینه‌سازی برای ظهور مهدی موعود است. درخصوص قابلیت خودکفایی اقتصادی و این که انگل نباشیم، توانمند باشیم و تلاش‌مدار بار بیاوریم، آیه‌ی شریفه‌ی «لَيْسَ لِلانسانِ الاّ ما سعى» را معیار و اساس قرار دهیم. آیا نظام آموزش و پرورش ما در دوره‌ی متوسطه بچه‌ها را این‌گونه بار می‌آورد؟ بالاترین جایگاه شغلی در کشور باید از آن معلم و پلیس

## بیایید به پا خیزیم و نظام آموزش و پرورش را اصلاح کنیم

عمومی، کاربردی باشد. امروزه در دنیای علم و در سراسر جهان این کار را انجام داده‌اند و به دنبال مهارت زندگی و مهارت‌های عملی و کاربردی هستند. ما نمی‌خواهیم کنکورزدایی کنیم اما نباید کنکور سراسری داشته باشیم. هر دانشگاه برای خودش آزمون کاربردی عمومی و هوش بگذارد و حداقل ۸۰ درصد شاگردان هر دانشگاه بومی باشند. باید حداقل ۸۰ درصد ظرفیت دانشکده‌های علوم تربیتی، روان‌شناسی و علوم پایه برای آموزش و پرورش‌ها باشد. این چه معنا دارد که یک دختر ۱۸ ساله بیاید و لیسانس مدیریت آموزشی از ما بگیرد و از آن طرف معلم با سابقه‌ی ۱۰ یا ۱۵ ساله دیپلمه باشد؟

وقت آن نرسیده که این رشته‌بندی را آسیب‌شناسی و بازنگری کنیم؟ آیا این رشته‌بندی جز آسیب روانی، اجتماعی، تعارض‌های خانوادگی، بی‌توجهی دینی و رقابت‌های بی‌فایده حاصل دیگری دارد؟

پیشنهادم این است که در دبستان دوره را حداقل ۶ ساله کنیم و معلم‌های مرد از کلاس اول در دبستان‌های پسرانه حضور داشته باشند، زیرا الگوهای پسران باید مثل خودشان باشند. این قدر نگوئیم خانم‌ها از آقایان مهربان‌تر هستند؛ زیرا خانم‌ها باید در دبستان‌های دخترانه باشند. بچه‌ها همانندسازی را باید با همجنس خودشان داشته باشند. چرا برنامه‌های درسی روزانه در دوره‌ی ابتدایی را با زنگ نقاشی که جذاب‌تر و گیراتر است، شروع نمی‌کنند؟ چرا هنوز باورهای غلط و کلیشه‌ای در برنامه‌های درسی مدارس حاکم است؟ دیپلم باید در دوره‌ی متوسطه‌ی

باشد. وقتی که معلمان از بالاترین اقتدار شغلی برخوردار شوند، جوانان کشور آرزو می‌کنند که معلم شوند؛ معلم چه در دانشگاه و چه در حوزه‌های علمیه فرق نمی‌کند. این کشور با شعر و شعار درست نمی‌شود.

... یادگیری‌های غیرمستقیم پایدارترین یادگیری‌هاست و ما باید از این ظرفیت و قابلیت استفاده کنیم. با کنکورگری رشته‌ی علوم انسانی را تضعیف کردند؛ زیرا می‌گویند هرکس به این رشته برود، تنبل است و رقابت علمی در رشته‌های ریاضی و تجربی است! این مایه‌ی ننگ جمهوری اسلامی است که خود وزارت علوم هم تعاونی دولتی کنکورگری تشکیل داده است.

این رشته‌بندی فعلی برای هفتاد سال قبل بود که ششم ابتدایی در کشور دانش پایه محسوب می‌شد. آیا پس از گذشت این همه سال